

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

دوشنبه ۰۴ دسمبر ۲۰۲۳

داکتر ضیا نظام

## روابط خاص چین و طالبان



از زمانی که طالبان در افغانستان به قدرت رسیدند تا امروز، جایگاه کشور به عنوان یک دولت و عضو جامعه جهانی در بلا تکلیفی قرار دارد. جامعه جهانی یک صدا از عدم به رسمیت شناختن اداره طالبان سخن می گویند؛ اما در عمل تمام دولت های دخیل در امور افغانستان با این گروه به گونه مستقیم یا غیرمستقیم در تماسند. عده ای چون امریکا با ارسال پول و حمایت از برنامه های کمک رسانی و فعالیت هایی که تحت چتر ان جی او ها و سازمان ملل متحد انجام می شود، با گروه طالبان داد و ستد دارند. عده ای چون ایران با حمایت های فنی از فراکسیون هایی در درون طالبان، تسلیم دهی سفارت و عقد قرارداد های تجاری با این گروه مرآوده می کنند. در این میان، چین نیز دارای موضع و روابط خاص با طالبان است. این کشور اخیراً میزبان وزیر خارجه گروه طالبان بود و وانگ یی، وزیر خارجه چین، به امیرخان متقی وعده داد که کشورش در اعمار دهلیز واخان همکاری خواهد کرد. در عین حال، چین سفیر تازه ای به افغانستان اعزام کرد و او رسماً اعتماد نامه اش را به رئیس الوزرای طالبان تقدیم کرد. مهم تر از این، امضای قرارداد های مشکوک چین برای استخراج معادن و اعزام کارشناسان و تاجران به افغانستان برای ارزیابی توسعه فعالیت های

اقتصادی، روابط چین و طالبان را خاص کرده است. در این نوشته، با استناد به خبرهای نشر شده در رسانه ها، به روابط چین و طالبان، بخصوص در عرصه استخراج معادن پرداخته می شود. در این اواخر گروه طالبان چند قرارداد اقتصادی با چین امضا کرده است. شرکتی به نام چاینا - افغان قرارداد استخراج نفت از حوزه نفتی آمو را در ماه جنوری امسال امضا کرد و وعده سپرد که در این زمینه ۱۴۵ میلیون دالر سرمایه گذاری کند. آژانس خبری باختر تحت کنترل طالبان، به تاریخ ۷ جنوری سال جاری نوشت که شرکت چاینا - افغان استخراج نفت را در منطقه قشقری و آق دریا در ولایت سرپل آغاز کرده است.

قرار گزارش های نشر شده در رسانه ها، وزیر خارجه طالبان در گفت و گوی تلفونی با وزیر خارجه چین قرارداد نفتی حوزه آمو را یک دستاورد مهم دانسته و همچنان اطمینان داده است که طالبان به کسی اجازه نمی دهند که از خاک افغانستان بر ضد چین استفاده کند. البته منظور او از هیچ کس، جدایی طلبان اویغور موسوم به جنبش اسلامی ترکستان شرقی است که در افغانستان زیر چتر طالبان به سر می برند.

طالبان برای تامین مصارف خویش بیشتر چشم به استخراج معادن دوخته اند و این سرمایه ملی را چون اهرم تماس و معامله با بازی گران خارجی به کار می برند. براساس معلومات وزارت معادن زیر کنترل طالبان، در دو سال گذشته، ۲۰۰ قرارداد استخراج معدن عقد شده است، در حالی که در ۲۰ سال جمهوریت تنها ۱۲۶ قرارداد استخراج معادن کوچک امضا شده بود. باید تذکر داد که در زمان تسلط طالبان هیچ یکی از قرارداد های معادن به طور رسمی و در حضور رسانه ها عقد نشده است، در حالی که در زمان جمهوریت تمام قرارداد ها با جزئیات در وب سایت وزارت معادن نشر می شد.

پس از سقوط نظام جمهوری، بسیاری از سرمایه گذاران خارجی، مخصوصاً غربی، فعالیت های شان را در افغانستان متوقف کردند؛ زیرا ایالات متحده امریکا و سایر کشورهای غربی، افغانستان تحت تسلط طالبان را تحریم اقتصادی کردند و این امر به چین، پاکستان و بعضی از کشورهای منطقه فرصت سرمایه گذاری مهیا کرده است. البته قرارداد کننده گان با وجودی که رژیم طالبان را به رسمیت نمی شناسند، می دانند که استبداد در داخل کشور بیداد می کند و همه روزه حقوق بشر نقض می شود، اما برای آن ها این موضوعات اهمیت چندانی ندارد.

کار استخراج معدن مس عینک به شرکت های چینی سپرده شده است. قرارداد این معدن حدود ۱۵ سال قبل (۲۰۰۷) امضا شد و طرف چینی تعهد سپرده بود که حدود سه میلیارد دالر در افغانستان

سرمایه گذاری کند. براساس قرارداد یاد شده، شرکت قراردادی ساخت خط آهن، سرک ها، دستگاه تولید برق و یک شهرک دارای هزاران آپارتمان رهائشی را نیز بر عهده گرفته بود؛ اما به بهانه های مختلف امنیتی، وجود آثار باستانی و عدم آماده گی شرایط از اجرای تعهداتش شانه خالی کرد. کارشناسان اما علت عمده این تعلل را افت قیمت مس در بازار جهانی خوانده بودند. اکنون که قیمت مس دوباره در بازار جهانی در حال افزایش است، چین دوباره به این معدن که دومین معدن از نوع خود در جهان می باشد، علاقه مند شده است. وزارت معادن و پترولیم تحت تسلط طالبان اظهار داشته که مذاکرات برای استخراج مس با شرکت ام سی سی چینی به مراحل نهایی رسیده و به زودی کار استخراج آغاز می شود. این موضوع اخیراً توسط روزنامه فایننشال تایمز نیز گزارش شده است. علاوه بر این، نظر به گزارش گلوبال تایمز چین، اوایل ماه نوامبر ۲۰۲۲، شرکت ام سی سی، نماینده گان خود را با ویژه خاص به افغانستان فرستاد تا معادن لیتیوم را بررسی کنند. این هیات با هماهنگی وزارت معادن طالبان به بعضی از ولایات از جمله نورستان سفر کرده و بررسی های لازم را به عمل آورده است. یوهنگهوی، مدیر کمیته توسعه اقتصادی و تجارت چین، گفته است که این کشور می خواهد بعد از ضمانت های لازم کار را آغاز کند. لیتیوم یکی از کارآمدترین فلزات است و از آن در ساختن قطعات طیارات، فضاپیما و باتری ها استفاده می شود. افغانستان یکی از کشورهای غنی از لیتیوم است. معادن لیتیوم به طول ۹۰۰ کیلومتر و عرض ۲۰۰ کیلومتر از هرات تا نورستان امتداد دارد. تمام این معادن دست نخورده مانده است. این معادن برای اقتصاد چین خیلی مهم می باشد.

براساس گزارش های معتبر، فعلاً زیاده از ۱۰۰ شرکت چینی در وزارت معادن زیر کنترل طالبان، جهت استخراج معادن راجستر شده اند و بیش از ۵۰۰ تاجر چینی وارد کشور شده اند تا معادن را بررسی کنند.

افغانستان بخشی از کمربند اقتصادی چین در منطقه است و سرمایه گذاری های چین در معادن و ترانزیت جهت برآورده شدن این هدف می باشد. کمربند اقتصادی چین برای پاکستان خیلی مهم و حیاتی است. البته ضمانت ها و ترغیب پاکستان، نزدیک ترین متحد آن کشور، نیز نقش به سزایی در این زمینه بازی می کند. پاکستان می خواهد ابتکار مشابه هند را برای ایجاد دهلیز تجارتي منطقه ای به چالش بکشد.

علاوه بر این، وجود گروه های تروریستی در افغانستان نیز برای طالبان فرصتی را فراهم کرده است تا در بدل ادعای کنترل این گروه ها و همکاری در خنثی سازی فعالیت آن ها، از کشورهای

منطقه امتیاز بگیرند. این گروه ها در گذشته با طالبان یکجا علیه مردم افغانستان می جنگیدند و حالا از آن ها مثل اهرم فشار علیه همسایگان استفاده می شود. در رابطه با چین، جنبش اسلامی ترکستان شرقی چون ابزاری برای فشار و معامله استفاده می شود. جنبش اسلامی ترکستان شرقی در دهه ۱۹۹۰ میلادی در افغانستان ایجاد شد و بعداً در زمان حضور امریکا در افغانستان، به مناطق قبایلی پاکستان رفت و با طالبان متحد شد. حالا چین می خواهد آن ها را به کمک طالبان قلع و قمع کند. این انگیزه دیگر چین جهت تامین مناسبات خوب با طالبان است. دولت چین همواره این گروه را خطر بزرگ در برابر امنیت خود دانسته و حتا شایعاتی از احتمال دخالت نظامی آن کشور جهت از بین بردن جنگجویان ایغور در افغانستان نشر شده است.

به نظر نمی رسد که این داد و ستد ها بین طالبان و کشورهای منطقه، بخصوص چین، عواقب خوب داشته باشد و مدت طولانی ادامه یابد. زیرا، طالبان در برخورد با گروه های تروریستی منطقه با مشکلات جدی مواجه هستند و هرگونه اقدامی از سوی طالبان که گروه های تروریستی منطقه را با خطر مواجه کند، باعث تفرقه در رهبری و صفوف طالبان خواهد شد. از این رو، دست طالبان در برآوردن خواست های سیاسی و استخباراتی چین باز نیست. در عین حال، چین و دیگر کشورهای متمایل به همکاری با طالبان می دانند که قرارداد های درازمدت با گروهی که مشروعیت داخلی ندارد و جهان آن را به رسمیت نمی شناسد، عملی نخواهد بود و دولت قانونی ای که در آینده تشکیل خواهد شد، به احتمال زیاد این قراردادها را لغو می کند. با این حال، طرف ها برای اشراف بر اوضاع جاری افغانستان و نظارت از توسعه فعالیت گروه های تروریستی و نیز بهره برداری از منابع طبیعی افغانستان، روابط آشکار و پنهان شان را با طالبان حفظ می کنند و در مواردی مانند چین، آن را تا مرز تعاملات عملاً رسمی گسترش می دهند.